



مؤسسة الشيخ

محمد بن صالح العثيمين

رحمه الله تعالى

حقوقی که فطرت به آن فرا خوانده و شریعت آن را تایید کرده است

به قلم بنده نیازمند الله تعالى

محمد بن صالح العثيمين

Sponsored by

مؤسسة سليمان بن عبدالعزيز الراجحي الخيرية

Sulaiman Bin Abdulaziz Al Rajhi Charitable Foundation



به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

مقدمه

ستایش از آن الله است، حمد او را می گوئیم و از او یاری و آمرزش می خواهیم و به درگاهش توبه می کنیم، و از بدی های نفس خویش، و کارهای ناشایست خود به الله پناه می بریم، الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت، و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، درود و سلام بسیار الله بر او و بر آل و اصحابش و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند. اما بعد، یکی از زیبایی های شریعت الله تعالی، مراعاتِ عدل و اعطای حق هر صاحب حق بدون زیاده روی و کوتاهی است، زیرا الله تعالی به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر کرده است، و پیامبران بر اساس عدل فرستاده شده اند، و کتابها بر اساس عدل نازل شده اند، و امور دنیا و آخرت بر اساس عدل برپا گشته اند.

و عدل یعنی دادن حق هر صاحب حق، و قرار دادن هر صاحب جایگاهی در جایگاه و منزلتش، که این انجام نمی گیرد مگر با شناخت حقوقی که باید به اهل آن داد. از این روی، این سطور را برای بیان حقوقِ مهم نگاشتیم، تا بندگان در حد توان به انجام آن حقوقی که دانسته اند بپردازند، و این حقوق در چند مورد خلاصه می شود:

۱- حقوق الله تعالی.

۲- حقوق پیامبر صلی الله علیه وسلم.

۳- حقوق والدین.



۴- حقوق فرزندان.

۵- حقوق خویشاوندان.

۶- حقوق زوجین.

۷- حقوق والیان و رعیت.

۸- حقوق همسایگان.

۹- حقوق عموم مسلمانان.

۱۰- حقوق غیر مسلمانان.

اینها حقوقی هستند که قصد داریم برخی از آنان را به شکل مختصر مورد
بررسی قرار دهیم.

*

حق اول : حق الله تعالى

این حق، نخستین حقوق و واجب ترین و بزرگترین آنهاست؛ زیرا حق الله تعالى است که آفریدگار بزرگ و مالک و تدبیرگر همه امور است، حق آن فرمانروای مبین، آن زنده برپادارنده ای که آسمان و زمین به واسطه او برپا شده اند و هر چیز را آفریده و با حکمت خود تقدیر نمود و اندازه گرفت، حق الله که تو را از عدم به وجود آورد، حال آنکه چیز قابل ذکری نبودی، حق الله که تو را با نعمت هایش پرورش داد، در حالی که در شکم مادرت در تاریکی های سه گانه بودی و هیچ یک از مخلوقات نمی توانست غذایت و نیازهای رشد و زندگی را به تو برساند. آنکه پستانها را برای پرشیر ساخت و راه ها را به تو نشان داد و پدر و مادر را برای تو مسخر ساخت، به تو یاری رساند و آماده ات ساخت، با نعمت ها و با عقل و فهم به تو یاری رساند، و برای پذیرش و سود بردن از آن آماده ات ساخت، الله تعالى می فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ
الْسَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [النحل: 78]

{و الله شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ چیز نمی دانستید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها پدید آورد، شاید سپاس گزایید} [نحل: ۷۸]، که اگر فضل خود را برای چشم به هم زدنی از تو باز دارد، هلاک می شوی، و اگر رحمت خودش را از تو بگیرد، زنده نمی مانی، پس اگر این فضل الله و رحمت او در حق توست، حق او بر تو نیز بزرگترین حقوق است، زیرا این حق، حق وجود و آماده ساختن و یاری رساندن است، و اینکه او از تو روزی و غذایی نمی خواهد، الله تعالى می فرماید:

﴿...لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ [طه: 132]

{و خانواده ات را به نماز فرمان بده و [خود] بر [انجام] آن شکیبا باش. [ما] از تو روزی نمی خواهیم، [بلکه] خود به تو روزی می دهیم؛ و سرانجام نیک، برای [اهل] تقوا است} [طه: ۱۳۲]. بلکه تنها از تو یک چیز می خواهد که مصلحتش به خودت باز می گردد؛ از تو می خواهد تنها او را بپرستی و برایش شریکی نیاوری، الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ ﴿۵۶﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾ [الذاریات: ۵۵-۵۸]

{و جن و انس را فقط برای این آفریده ام که مرا عبادت کنند} [ذاریات: ۵۶]، از تو می خواهد که بنده او باشی، بندگی به تمام معنا، همانطور که با همه معانی ربوبیت، پروردگار توست. اینکه بنده خاکسار درگاه او باشی، فروتن برای او، انجام دهنده امرش و اجتناب کننده از آنچه نهی کرده و خبر او را تصدیق کنی؛ چون تو نعمت های فراگیر پی در پی او را می بینی، با این حال آیا از این شرم نمی کنی که این نعمتها را با کفران پاسخ دهی؟! اگر کسی از مردم در حق تو لطفی کرده بود از اینکه علنی مرتکب معصیتش شوی یا با او مخالفت کنی، شرم می کردی، چه رسد به پروردگاری که هر لطفی در حق تو شده از لطف اوست، و هر زیانی از تو دفع شده از رحمت اوست؟! الله تعالی می فرماید:

﴿وَمَا يَكُم مِّن نِّعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْرُونَ﴾ [النحل: ۵۳]

{و [ای مردم،] هر نعمتی که دارید، از سوی الله است؛ به علاوه، وقتی گزندی به شما می رسد، به پیشگاه او ناله و زاری می کنید} [نحل: ۵۳]. و این حق که الله برای خودش واجب ساخته [و بر عهده بندگان نهاده] برای کسی که الله آن را برایش آسان ساخته، آسان است، زیرا الله در آن حَرَج و تنگنا و دشواری قرار نداده است، الله تعالی می فرماید:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الحج: 78]

{و در راه الله . چنان که سزاوارِ جهاد [در راه] اوست . جهاد کنید. او شما را برگزید، و هیچ سختی [و تنگنایی] در دین برایتان قرار نداد. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بود]. او پیش از این [در کتاب های آسمانی گذشته] و در این [قرآن] شما را مسلمان نامید، تا پیامبر بر [ابلاغ پیامش به] شما گواه باشد، و شما [نیز] بر مردم گواه باشید [که همه پیامبران، پیام الهی را به قوم خود رسانده اند]. پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید و به الله پناه ببرید که او [دوست و] کارساز شماست؛ و چه نیکو کارساز و چه نیک یابوری است} [حج: ۷۸]. این عقیده است ایده آل، و ایمان به حق است، و کاری نیک است که از عقیده ایمان به غیب و باور به واقع است، و چارچوب آن محبت است و بزرگداشت و ثمره اش اخلاص است و ثبات. پنج نماز در روز و شب که الله با آنها گناهان را پاک می کند و درجات

را افزون می گردانند، و دلها و احوال را با آن به صلاح می آورد، و بنده برحسب توانش آن را انجام می دهد، الله تعال می فرماید:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرَ الْأَنْفُسِ كُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [التغابن: 16]

{در حد توانایی خود تقوای الله را پیشه سازید} [تغابن: ۱۶]. و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . خطاب به عمران بن حصین که بیمار بودند فرمود: «ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی نشسته، و اگر نتوانستی بر پهلو». زکات، که بخشی اندک از مال تو است و آن را در راه نیاز مسلمانان، برای فقرا و مستمندان و در راه ماندگان و بدهکاران و دیگر اهل زکات خرج می کنی، الله تعالی می فرماید:

﴿...فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فِئِمَّةَ الْمَوَالِي وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الحج: 78]

{پس نماز برپا دارید و زکات پردازید و به الله پناه ببرید [و بر او توکل کنید] که او [دوست و] کارساز شماست؛ و چه نیکو کارساز و چه نیک یابوری است} [حج: ۷۸].

روزه یک ماه در سال، و کسی که بیمار یا مسافر بود تعدادی از روزهای دیگر را [به جایش روزه می شود] و کسی که به دلیل ناتوانی دائمی توانایی روزه را نداشت به جای هر روز، یک بینوا را غذا می دهد.

حج بیت الله الحرام یک بار در عمر برای کسی که توانایی اش را دارد.

این ها اصول حق الله است، و جز آن یا برای شرایط خاص واجب می شود مانند جهاد در راه الله، یا برای اسبابی که آن را واجب می سازد، مانند یاری مظلوم.

ببین برادر، این حق آسان از نظر عملی، و بسیار از نظر پاداش، اگر انجامش دهی در دنیا و آخرت سعادتمند خواهی بود و از دوزخ رهایی می یابی و به بهشت وارد می شوی، الله تعالی می فرماید:

﴿...فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ
الْغُرُورِ﴾ [ال عمران: 185]

{پس هر که را از آتش دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً رستگار شده است؛ و زندگی دنیا چیزی جز مایه فریب نیست} [آل عمران: ۱۸۵].

*

حق دوم: حق رسول الله صلی الله علیه وسلم

و این حق، بزرگترین حقی است که یک مخلوق دارد، زیرا حق هیچ مخلوقی، بزرگتر از حق رسول الله . صلی الله علیه وسلم . نیست، الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۹﴾ [الفتح: 8-9]

{ ای پیامبر، } ما تو را گواه و مژده دهنده و هشدار دهنده فرستادیم { [فتح: ۸]، برای همین باید محبت پیامبر . صلی الله علیه وسلم . را بر محبت همه مردم مقدم داشت، حتی محبت خود و فرزند و پدر [و مادر]، رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «کسی از شما ایمان نمی آورد تا آنکه من نزد او محبوبتر از فرزندش و پدرش و همه مردم باشم».

از حقوق پیامبر . صلی الله علیه وسلم .، بزرگداشت و احترام و تعظیم ایشان است، چنانکه لایق ایشان است بدون غلو و کوتاهی، زیرا بزرگداشت ایشان در حیاتشان، بزرگداشت سنتشان و شخص بزرگوار ایشان است، و بزرگداشتشان پس از وفات، بزرگداشت سنت و شرع گرانقدر ایشان است، و کسی که بزرگداشت صحابه و توقیر آنان در حق رسول الله . صلی الله علیه وسلم . را دیده، خواهد دانست که چگونه آن بزرگواران فاضل به آنچه در حق پیامبر . صلی الله علیه وسلم . واجب بوده عمل کردند. عروۀ بن مسعود هنگامی که قریش در صلح حدیبیه او را برای مذاکره با پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرستادند [پس از بازگشت] خطاب به آنان گفت: «من بر پادشاهان - خسرو و قیصر و نجاشی - وارد شده ام و ندیدم که کسی، یارانش او را گرمی

بدارند چنانکه اصحاب محمد، محمد را بزرگ می دارند؛ هرگاه آنان را امر می کرد، در اجرای امرش از هم سبقت می جستند، و چون وضو می گرفت، برای آب وضویش با هم می جنگیدند، و چون سخن می گفت نزد او صدایشان را پایین می آوردند، و از روی بزرگداشت، به او نگاه تند نمی کردند [و چشم در چشم نمی شدند].»

آنان . رضی الله عنهم . ایشان را چنین بزرگ می داشتند، و این همراه با اخلاق کریمی بود که الله ایشان را بر آن سرشته بود و نرم خوی ایشان، و اگر تند و خشن بود، قطعاً از گرد وی پراکنده می شدند.

و از جمله حقوق پیامبر صلی الله علیه وسلم : راست شمردن اخباری است که ایشان دربارهٔ امور گذشته و آینده داده اند، و گردن نهادن در برابر امرشان و دوری از آنچه نهی کرده اند، و ایمان به اینکه رهنمود ایشان کاملترین رهنمود و شریعتشان کاملترین شرایع است، و اینکه هیچ شریعت یا قانون دیگری از هر منبعی بر آن مقدم نشود، الله تعالی می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: 65]

{نه، سوگند به پروردگارت که آنها ایمان نمی آورند، مگر اینکه در اختلافات خویش تو را داور قرار دهند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند} [نساء: ۶۵]،

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [العمران: 31]

{[ای پیامبر،] بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را بپامرزد؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است} [آل عمران: ۳۱]. از جمله حقوق پیامبر. صلی الله علیه وسلم. این است که: انسان در حد توان و با اسلحه ای مناسب حال، از شریعت و رهنمودهای ایشان دفاع کند، یعنی اگر دشمن با دلیل و شبهه حمله می آورد، دفاع با استفاده از علم و رد استدلال و شبهه او و بیان فساد آن است، و اگر دشمن با اسلحه و توپخانه حمله می آورد، دفاع و پس راندن او به همان روش است. و برای هیچ مؤمنی امکان ندارد که بشنود کسی به شریعت پیامبر. صلی الله علیه وسلم. یا شخص بزرگوار ایشان حمله می آورد و سپس با وجود توانایی دفاع، ساکت بماند.

*

حق سوم: حق والدین

کسی فضل و لطف والدین بر فرزندان را انکار نمی کند. پدر و مادر سبب وجود فرزند هستند و حق بزرگی بر او دارند. آنان او را از کودکی پرورش داده اند و برای آسایش او خسته شده اند، و برای خواب [راحت] او بی خوابی کشیده اند. مادرت تو را در شکم حمل می کند و تو از وجود او و به قیمت سلامتی او نه ماه تغذیه می شوی، و آنجا می مانی، چنانکه الله تعالی در این سخن گرامی شان به آن اشاره کرده است:

﴿...حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَمَیْنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ [لقمان: 14]

{مادرش او را با ناتوانی روزافزون باردار شد} [لقمان: ۱۴]، سپس بعد از آن دو سال حضانت و شیردهی است که همراه با خستگی و رنج و دشواری است. همینطور پدر در راه به دست آوردن روزی و معیشت و غذایت از کودکی تا وقتی که خودت روی پایت می ایستی زحمت می کشد، و در راه تربیت و راهنمایی ات تلاش می کند، حال آنکه خودت برای خودت مالک هیچ سود و زبانی نیستی، برای همین الله تعالی فرزند را امر کرده که در حق والدینش نیکوکار باشد و شکر آنان را به جای آورد، الله تعالی می فرماید:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَمَیْنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ [لقمان: 14]

{ما انسان را [درباره نیکویی] به پدر و مادرش سفارش کردیم [از آن رو که]، مادرش او را با ناتوانی روزافزون باردار شد و [دوران شیرخوارگی

و [بازگرفتنش از شیر دو سال به طول می انجامد. [به او گفتیم] که: شکر من و پدر و مادرت را به جای آور [که] بازگشت [همه] به سوی من است} [لقمان: ۱۴]، و می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ٢٤﴾ [الإسراء: 23-24]

{و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آنان در نزد تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی که [کلمه] اف است به ایشان نگو، و بر سرشان فریاد نزن، و با آنان با نیکی [و محترمانه] سخن بگو} [اسراء: ۲۳-۲۴]. حق والدین بر تو این است که در حق آنان نیکوکاری کنی، و این نیکوکاری با احسان نسبت به آنها در گفتار و کردار، و مال و بدن است، اینکه امر آنان را در غیر گناه و در آنچه زیانی به تو نمی رساند انجام دهی و با آنان به نرمی سخن گویی و چهره ات برایشان بشاش باشد، و آنطور که شایسته است خدمتگزاری آنان را انجام دهی و هنگام پیری و بیماری و ضعفشان با آنان ابراز خستگی و کلافگی نکنی، و این خدمتگزاری را برای خودت سنگین نبینی؛ زیرا تو هم روزی در جایگاه آنها خواهی بود. تو نیز مانند آنها که پدر و مادرند، روزی پدر یا مادری می شوی و اگر تقدیرت باشد که بمانی، در برابر فرزندان به سن پیری خواهی رسید و همانطور که والدینت نیازمند نیکوکاری تو بودند، نیازمند نیکوکاری آنان خواهی بود، حال اگر پسر والدین را به نیکی انجام داده باشی، به اجر فراوان و پاداش همانند بشارت ده، زیرا آنکه با والدینش نیکوکار است، فرزندان او نیز با او نیکوکار خواهند بود،

و آنکه در حق والدینش بدی کند، فرزندان او بد خواهند بود، و جز از جنس عمل است و هر طور رفتار کنی همانطور با تو رفتار می شود. و الله تعالی حق والدین را در مرتبه ای بزرگ و والا قرار داده، آنطور که حق آن دو را پس از حق خودش، که شامل حق خود و حق پیامبرش . صلی الله علیه وسلم . است، قرار داده است. آنطور که می فرماید:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا...﴾ [النساء: 36]

{و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید} [نساء: ۳۶]، و می فرماید:

﴿...أَشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: 14]

{شکر من و پدر و مادرت را به جای آور [که] بازگشت [همه] به سوی من است} [لقمان: ۱۴]، و پیامبر . صلی الله علیه وسلم .، نیکی در حق والدین را بر جهاد در راه الله مقدم داشته است، چنانکه در حدیث ابن مسعود . رضی الله عنه . آمده که گفت: گفتم یا رسول الله، کدام عمل نزد الله محبوبتر است؟ فرمود: «نماز در وقت آن»، گفتم: سپس چه؟ فرمود: «نیکی در حق والدین»، گفتم: سپس چه؟ فرمود: «جهاد در راه الله» به روایت بخاری و مسلم، و این دال بر اهمیت حق والدین است، حتی که بسیاری از مردم تباهش ساخته اند و رو به عقوق و قطع رابطه با آنان آورده اند. برخی را می بینی که حتی برای پدرش و مادرش قائل نیست، و چه بسا آنها را تحقیر کند و کوچک بشمارد و بر آنان برتری ورزد. چنین کسی جزای خود را دیر یا زود خواهد دید.

*

حق چهارم: حق فرزندان

فرزندان، شامل پسران و دختران فرد هستند، و حق فرزندان بسیار است، از مهمترین آنها: تربیت است یعنی رشد و توسعه دینداری و اخلاق در درون آنان، تا آنکه سهم بسیاری از آن داشته باشند، الله تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ [التحریم: 6]

{ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده تان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید} [تحریم: ۶]، و پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: {همه شما مسئول هستید، و همه شما مسئول رعیت خود هستید... و مرد در خانواده خویش مسئولیت دارد و مسئول رعیت خود است}، فرزندان امانتی نزد والدین خود هستند و در روز قیامت درباره آنان پرسیده می شوند، و با تربیت دینی و اخلاقی آنهاست که والدین از عواقب [بد عدم تربیت] رعیت خود رهیده می شوند، و اینگونه است که فرزندان به صلاح می آیند و در دنیا و آخرت روشنایی چشم والدین خود می شوند، الله تعالی می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ [الطور: 21]

{مؤمنانی که فرزندان ایشان در ایمان پیرو آنان بودند، فرزندان ایشان را [نیز در بهشت] به آنان ملحق خواهیم کرد، و از [پاداش] عملشان ذره ای نمی کاهیم؛ چرا که [سرنوشت] هر کس در گرو دستاورد خود اوست}

[طور: ۲۱]، {مَا أَلْتَنَاهُمْ} یعنی: نمی‌کاهیم. و پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می‌فرماید: «هرگاه فرزند آدم بمیرد، کارش قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه، یا علمی که پس از او به کسانی که بعد از او هستند سود برساند، یا فرزند صالحی که برایش دعا کند»، این از ثمرات تربیت فرزند است، اگر تربیتش درست باشد، یعنی آنکه در این صورت، فرزند حتی پس از وفات والدین به آنها سود می‌رساند. بسیاری از مردم نسبت به این حق سهل‌انگاری می‌کنند و فرزندان خود را تباه ساخته آنان را فراموش کرده‌اند، گویا اصلاً مسئولیتی در قبال آنان ندارند، نمی‌پرسند کجا رفته‌اند، و کی آمده‌اند؟ و اینکه دوستانشان چه کسانی هستند؟ و آنان را به سوی خیر راهنمایی نمی‌کنند و از بدی‌ها باز نمی‌دارند. عجیب این است که همین‌ها همه تلاش خود را برای جمع‌آوری پول و بیشتر شدن آن انجام می‌دهند و شب‌ها را برای اصلاح وضع مالی‌شان بیدار می‌مانند، حال آنکه معمولاً این پول را برای دیگران بیشتر می‌کنند، اما کاری به فرزندان‌شان ندارند، با آنکه محافظت از [اخلاق و تربیت] آنان برای دنیا و آخرتش مهم‌تر و مفیدتر است، و همانطور که تغذیه جسم فرزند با آب و خوراک، و لباس تنش بر پدر واجب است، همانطور بر او واجب است که دلش را خوراک علم و ایمان دهد و روحش را با لباس تقوا بپوشاند که آن بهتر است. و از جمله حقوق فرزندان این است که بدون اسراف و تقصیر برای آنان هزینه کند؛ زیرا این از جمله حقوق واجب فرزند بر اوست، و از جمله شکر نعمت مالی است که الله به او عطا کرده است، چگونه این مال را در زندگی‌شان از آنان باز می‌دارد و در حقشان بخل می‌ورزد، تا جمع شود و سپس بعد از وفاتش به زور از او بگیرند؟! حتی اگر از دادن حق واجبشان به آنان بخل ورزد، آنان اجازه دارند که از مال او آنچه بر حسب عرف برایشان کافی است را بردارند، چنانکه رسول الله. صلی الله علیه وسلم. به هند بنت عتبه. رضی الله عنه. فتوا دادند. و از جمله حقوق

فرزندان این است که در بخشش و هدیه میان آنان تبعیض نگذارد، و چیزی را به یکی از فرزندان نهد و از دیگران باز ندارد؛ زیرا این از جمله جور و ظلم است و الله ظالمان را دوست ندارد، و چون این کار به تنفر کسانی که از آن هدیه محروم شده اند و ایجاد دشمنی بین آنها و کسانی که برخوردار شده اند منجر می شود، و چه بسا به دشمنی آنان که مورد تبعیض قرار گرفته اند با پدر و مادرشان بینجامد. بعضی از مردم نیز به سبب آنکه یکی از فرزندان در حق آنها نیکوکارتر و مهربانتر است، به او هدایا و عطایای ویژه می دهند، اما این تبعیض هیچ توجیهی ندارد، زیرا درست نیست آنکه در حق والدینش نیکوکارتر است در برابر این نیکوکاری اش عوض بگیرد؛ زیرا این نیکوکاری برای الله است و ویژه ساختن او باعث می شود دچار عجب و خودبینی شود و فضلی برای خود قائل شود، و این باعث تنفر دیگری و ادامه بدرفتاری او با والدین می شود، سپس ما نمی دانیم، چه بسا اوضاع تغییر کند و همان که نیکوکار است، عاق شود و آنکه عاق است، نیکوکار شود؛ زیرا دلها به دست الله است که هرگونه بخواهد آن را می گرداند. و در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) از نعمان بن بشیر روایت شده که پدرش بشیر بن سعد، به او غلامی بخشید، پس پیامبر . صلی الله علیه وسلم . را از این کارش آگاه ساخت، پیامبر . صلی الله علیه وسلم . از او پرسید: «آیا مانند این [هدیه] را به همه فرزندان دادی؟» گفت: نه. رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمود: «پس آن را پس بگیرد»، و در روایتی دیگر فرمود: «از الله پروا دارید، و میان فرزندان به عدالت رفتار کنید»، و در لفظی دیگر فرمود: «غیر من را بر این شاهد بگیرد، زیرا من شاهد جور نمی شوم»، پس پیامبر . صلی الله علیه وسلم . ترجیح برخی از فرزندان را بر برخی دیگر، جور دانسته است، و جور، ظلم و حرام است. اما اگر به یکی از آنها چیزی بدهد که به آن نیازمند است و دیگری به آن نیازی ندارد، مانند آنکه یکی از فرزندان نیازمند یک ابزار

دفتری یا درمان یا ازدواج باشد، اینجا اشکالی ندارد که به او به طور خاص چیزی را بدهد که به آن نیاز دارد؛ زیرا این تخصیص از روی حاجت بوده، در نتیجه مانند نفقه و خرجی خواهد بود [نه مانند هدیه].

و هرگاه پدر آنچه را در رابطه با فرزندانش بر او واجب است مانند تربیت و خرجی انجام دهد، این باعث می شود که فرزندان نیز توفیق انجام نیکی در حق او و مراعات حقوقش را بیابند، اما هرگاه پدر در مورد آنچه بر وی واجب است سهل انگاری کند، مستحق عقوبت می شود، به این شکل که فرزند حق او را منکر می شود و مبتلای عقوق او می شود و این مجازات است همسان، و هرگونه رفتار کثی، همانطور با تو رفتار خواهد شد.

*

حق پنجم: حقوق خویشاوندان

نزدیکانی که با تو ارتباط خویشاوندی دارند، مانند برادر و عمو و دایی و فرزندان‌شان و هر کسی که ارتباطی با تو دارد، بر حسب این نزدیکی از حق خویشاوندی برخوردار است، الله تعالی می فرماید:

﴿وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذِرْ تَبَذِيرًا﴾

[الإسراء: 26]

{و حق خویشاوند را به او بده} [اسراء: ۲۶]، و می فرماید:

﴿*وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي

الْقُرْبَىٰ...﴾ [النساء: 36]

{و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید} [نساء: ۳۶]، پس بر هر خویشاوندی واجب است که پیوند خویشان را با انجام نیکی پیوسته بدارد؛ از جمله با بذل جاه و سود بدنی و سود مالی، و این برحسب نزدیکی این خویشاوندی و نیاز آن خویشاوند است، و این مقتضای شرع و عقل و فطرت است. نصوص در باب تشویق به صله رحم یعنی حفظ ارتباط با نزدیکان و ترغیب به آن، بسیار است، در صحیحین از ابوهریره. رضی الله عنه. روایت شده که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. فرمودند: «الله خلق را آفرید، پس چون از آفرینش فارغ شد، رَحِم (خویشاوندی) گفت: این جایگاه کسی است که از قطع پیوند به تو پناه آورده است، پروردگار فرمود: آری، آیا راضی می شوی که هرکس با تو وصل شود، من او را به خود وصل کنم و هرکس تو را قطع کند، با او

قطع رابطه کنم؟ گفت: بله، ای پروردگارم. الله متعال فرمود: پس چنین خواهیم کرد»، سپس رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمود: «اگر می خواهید این آیه را بخوانید:

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ۖ﴾ [محمد: 22-23]

{فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ} «[ای منافقان،] آیا [جز این] انتظار دارید که اگر [از قرآن و سنت پیامبرش] روی بگردانید، در زمین تباهی کنید و از خویشاوندان تان ب‌برید؟ [چنان که در جاهلیت این حالت را داشتید.]» [محمد: ۲۲]، و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «هر که به الله و آخرت ایمان دارد، باید که رابطه خویشاوندی اش را پیوسته بدارد».

بسیاری از مردم این حق را ضایع می سازند و در آن سهل انگاری می کنند. برخی را می بینی که صله خویشاوندش را هیچگونه حفظ نمی کند؛ نه با مال و نه با جایگاه و نه با اخلاق. روزها و ماه ها می گذرد و او را نمی بیند و به زیارتشان نمی رود و با هدیه ای به آنها محبت نمی کند و ضرورت و نیازی را از آنان برطرف نمی سازد، بلکه چه بسا با گفتار یا کردار یا هر دو در حقشان بدی کند. با دور رابطه می گیرد و رابطه اش با نزدیک را قطع می کند.

بعضی نیز اگر خویشاوندش با او رابطه داشته باشند، با او رابطه می گیرند، و اگر قطع رابطه کنند، او نیز قطع رابطه می کند! او در واقع نیکی را با مانند آن جبران می کنند و این [یعنی جبران نیکی] هم برای خویشاوند است هم برای غیر خویشاوند، زیرا جبران نیکی خاص به خویشان نیست، اما آنکه واقعا اهل صله رحم است، کسی است که برای الله این رابطه را حفظ می کند و دیگر

اهمیت نمی دهد که آنان با او رابطه بگیرند یا خیر، چنانکه عبدالله بن عمرو بن العاص . رضی الله عنهما . در صحیح بخاری روایت کرده که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمود: «انجام دادن پیوند خویشاوندی بطور متقابل صله رحم راستین نیست، بلکه صله رحم راستین هنگامی است که اگر خویشاوندان ارتباط خویش را با کسی قطع کردند، او همچنان پیوند خویشاوندی را با آنان حفظ می کند». و مردی از ایشان پرسید: یا رسول الله، من خویشانی دارم که رابطه خویشاوندی ام را با آنان پیوسته می دارم، اما آنان قطع رابطه می کنند، و به آنان نیکی می کنم، اما آنان در حق من بدی می کنند، و با آنان شکیبایی می ورزم، اما آنان در حق من جهل می ورزند. پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمود: «اگر چنان باشی که می گویی، انگار به آنان خاکستر داغ می خورانی، و همواره یاری گری از سوی الله علیه آنان با تو است، تا وقتی که بر همین حالت بمانی» مسلم آن را روایت کرده است.

و اگر صله رحم جز این [مزیت] را نداشت که الله، عامل به صله رحم را در دنیا و آخرت پیوسته می دارد، و او را با رحمتش یاری می دهد و کارهایش را آسان می سازد، و سختی ها را از او دور می سازد و جز این نبود که صله رحم باعث نزدیکی خانواده ها و محبت بین آنها و همکاری در سختی ها می شود، همین کافی بود، و شادی حاصل از صله رحم، امری است آزموده شده چنانکه مشخص است و همه این فواید در صورت قطع صله رحم و دوری خویشان، برعکس شده [به ضد خود تبدیل می شود].

*

حق ششم: حق زوجین

ازدواج آثار بسیار مهم و نتایج بزرگی دارد. این رابطه ای است بین مرد و زن، که حقوقی بدنی و حقوقی اجتماعی و حقوقی مالی را از از هریک بر دیگری لازم می گرداند.

برای زوجین واجب است که هریک با دیگری بر اساس معروف معاشرت کند، و حق واجب دیگری را با سماحت و آسانی و بدون ناخوشی و معطلی ادا کند، الله تعالی می فرماید:

﴿...وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾ [النساء: 19]

{و با آنها به طور شایسته رفتار کنید} [نساء: ۱۹]، و می فرماید:

﴿...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...﴾ [البقرة: 228]

{و زنان حقوق شایسته ای دارند همانند [و همسنگ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امر طلاق] بر آنان برتری دارند} [بقره: ۲۲۸]، همینطور زن باید آنچه را بر او واجب است برای شوهرش فراهم سازد.

هرگاه هریک از زن و شوهر واجبی را که در قبال دیگری دارد انجام دهد، زندگی شان سعادت مند می شود و معاشرت بین آنها دوام می یابد، اما اگر برعکس بود، اختلاف و نزاع پیش می آید و زندگی هر دو تلخ می شود.

نصوص بسیاری درباره توصیه در حق زنان و مراعات حال آنان وارد شده و اینکه کمال حال [درباره آنان] محال است، چنانکه رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «به وصیت من درباره [خوش رفتاری با] زنان

توجه کنید؛ زیرا زن از دندهٔ پهلوی آفریده شده و کج ترین بخش دنده، قسمتِ بالای آن است. اگر بخواهی راستش کنی، می شکند و اگر رهایش نمایی، همچنان کج باقی می ماند؛ پس سفارشم را دربارهٔ زنان رعایت کنید»، و در روایتی دیگر: «زن از دندهٔ پهلوی آفریده شده، و با یک روش با تو راه نخواهد آمد، پس اگر از او بهره بردی با همان کجی بهره خواهی برد، و اگر بخواهی راستش کنی، خواهد شکست، و شکستش طلاق اوست»، و ایشان . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «هیچ مرد مؤمنی، نسبت به زنی مؤمن (یعنی همسر خویش) بد نبرد؛ زیرا اگر یک اخلاقش را نمی پسندد، اخلاق دیگری را می پسندد»، معنای «لا یفرک» (در اصل حدیث) یعنی بد نبرد (متنفر نباشد)، در این حدیث راهنمایی است از سوی پیامبر . صلی الله علیه وسلم . برای امتش، دربارهٔ طرز رفتار مردان با زنان. و اینکه شایسته است مرد تا حد توان از دروازهٔ آسانگیری در رفتار با زن وارد شود، زیرا طبیعت زن که بر اساس آن آفریده شده این است که بر وجه کامل رفتار نکند، بلکه ناگزیر در وی کجی است، و مرد نمی تواند از او بهره مند شود مگر بر همان طبیعتی که بر آن آفریده شده است.

و آنچه از این احادیث دانسته می شود این است که شایسته است انسان میان خوبی ها و بدی های زن مقایسه کند، اگر از یک اخلاق او خوشش نیاید، آن را با اخلاق دیگری که از آن خشنود است مقایسه کند، و صرفاً با عینک ناخشنودی و تنفر به او ننگرد.

بسیاری از شوهرها از همسرشان انتظار کمال دارند، و این چیزی است ناممکن، برای همین دچار ناخشنودی و ایرادگیری می شوند و نمی توانند از [زندگی با] همسرانشان لذت ببرند، و چه بسا این به طلاق بینجامد، چنانکه رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «و اگر بخواهی راستش کنی،

آن را خواهی شکست، و شکستنش طلاق اوست»، از این روی برای شوهر لازم است که آسان بگیرد و از هر آن چیزی که زنش انجام می دهد و مخل دین یا ناموس نیست، چشم پوشی کند. و از دیگر حقوق زن بر شوهرش این است که شوهر خرجی او شامل آب و غذا و لباس و خانه و توابع آن را تامین نماید؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: 233]

{و خوراک و لباس آنان (مادران) بر اساس عرف، بر عهده پدر است} [بقره: ۲۳۳]، و پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: «غذا و لباس آنان (زنان) بر حسب عرف بر عهده شما (مردان) است»، و از ایشان پرسیده شد: حق زن ما بر ما چیست؟ فرمودند: «اینکه چون غذایی خوردی، به او بدهی و اگر لباسی پوشیدی - یا کسب نمودی - او را بپوشانی، و به صورت او ضربه نزنی و دشنامش ندهی و جز در خانه از او دوری نکنی» به روایت ابوداود. و از جمله حقوق زن بر شوهرش این است که اگر زنی دیگر داشت، بین او و زن دیگرش در نفقه و مسکن و ماندن نزد او و هر آنچه در آن عدل ممکن است، عدالت را روایت کند؛ زیرا میل به سمت یکی از آنها [به حساب دیگری] از گناهان کبیره است، رسول الله. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: «کسی که دو زن دارد و به یکی از آنان مایل شود [و با کم رسی به دیگری به او بیشتر برسد]، روز قیامت در حالی می آید که نصف

بدنش کج است»، اما آن مواردی که نمی تواند در آن عدالت را رعایت کند، مانند محبت و آسایش درونی [بیشتر نزدیکی از از زنان] در این باره گناهی بر او نیست؛ زیرا این در استطاعت او نیست، الله تعالی می فرماید:

﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ...﴾ [النساء: 129]

{و نخواهید توانست میان زنان عدالت ورزید، اگرچه بسیار تلاش کنید} [نساء: ۱۲۹]، رسول الله .صلی الله علیه و سلم .میان زنانشان - رضی الله عنهن - همه چیز را تقسیم می کرد و عدالت می ورزید و می فرمود: «خداوندا این تقسیم من در آنچه مالک آنم است، پس درباره آنچه تو مالک آنی و من مالکش نیستم مرا ملامت نکن». اما اگر با رضایت دیگری، بیشتر نزد دیگری ماند، این اشکالی ندارد، چنانکه رسول الله .صلی الله علیه و سلم .، برای عایشه روز او و روز سوده را قرار داده بود، زیرا سوده این روز را به عایشه بخشیده بود، و رسول الله .صلی الله علیه و سلم .در بیماری وفاتش می پرسید: «فردا نزد که هستم؟ فردا نزد که هستم؟» و همسرانشان اجازه دادند هر جا که خودشان می خواهند باشند، و ایشان تا وفاتشان در خانه عایشه .رضی الله عنها .ماندند. اما حقوق شوهر بر زن، بزرگتر از حقوق زن بر شوهر است؛ زیرا الله تعالی می فرماید:

﴿...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ...﴾ [البقرة:

228]

{و زنان حقوق شایسته ای دارند همانند [و همسنگ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امر طلاق] بر آنان برتری دارند}

[بقره: ۲۲۸]، و مرد قوام و سرپرست بر زن است که مصلحتهای او و تادیب و راهنمایی اش را بر عهده دارد، چنانکه حق تعالی می فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ [النساء: 34]

{مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند، به خاطر آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به خاطر آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می کنند} [نساء: ۳۴]. از حقوق شوهر بر زن این است که امر او را اگر معصیت نباشد، اطاعت کند و راز و مال او را حفظ کند، و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «اگر کسی را امر می کردم که به دیگری سجده برد، زن را امر می کردم که برای شوهرش سجده بَرَد»، و می فرماید: «اگر مرد، زنش را به رختخوابش فرا بخواند و زن سرباز زند و مرد شب را در حالی که از او خشمگین بود به صبح رساند، ملائکه تا صبح او را لعنت می کنند». از دیگر حقوق شوهر بر زن این است که کاری انجام ندهد که مانع از کمال بهره بردن شوهر شود، حتی اگر آن کار عبادت مستحب باشد؛ زیرا پیامبر . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «برای زنی حلال نیست که در حضور شوهرش روزه شود مگر به اجازه او، و اجازه ندهد کسی وارد خانه اش شود مگر به اجازه او». و رسول الله . صلی الله علیه وسلم .، اجازه شوهر از زنش را از اسباب وارد شدن زن به بهشت قرار داده است، ترمذی از حدیث ام سلمه . رضی الله عنها . روایت کرده که رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمودند: «هر زنی اگر در حالی بمیرد که همسرش از او خشنود است، وارد بهشت می شود».

*

حق هفتم: حق حاکم و رعیت

والیان و حاکمان: کسانی هستند که امور مسلمانان را بر عهده دارند، چه این ولایت، ولایت عام باشد مانند رئیس اعلای حکومت یا ولایت خاص باشد، مانند رئیس یک اداره خاص یا کار خاص، و همه اینها حق دارند که رعیت و زیر دستانشان باید آن را انجام دهند، و همینطور رعیت و زیردستانشان حق بر عهده آنها دارند.

حقوق مردم بر والیان آن است که امانتی که الله بر عهده آنها گذاشته و آنان را ملزم به انجامش کرده به درستی انجام دهند، از جمله خیرخواهی برای مردم و به حرکت در آوردن آنها بر روش درستی که مصالح دنیا و آخرت آنان را در پی دارد، که این از طریق پیروی راه مؤمنان امکان پذیر است، راهی که رسول الله . **صلی الله علیه وسلم** . بر آن بوده است؛ زیرا سعادت آنان و مردمشان و زیر دستان در همین مسیر است، و این رساترین چیز برای کسب خشنودی مردم از والیان و برقراری رابطه با آنان و پذیرش اوامرشان و حفظ امانت در اموری است که والیان به آنان می سپارند، زیرا هر که تقوای الله را رعایت سازد، مردم نیز از [سرکشی امر او] پروا می کنند، و کسی که الله را خشنود سازد، الله نیز دشواری های مردم را از او برمی دارد و آنان را از او خشنود می سازد؛ زیرا دلها به دست الله است که هر طور بخواهد آن را می گرداند. اما حقوق والیان بر مردم: نصیحت انسان و خیرخواهی اش در حق کسی است که امور او را بر عهده گرفته، و یادآوری والیان در صورت فراموشی و دعا برای آنان اگر از حق به سویی دیگر میل گشتند و اجرای امر آنان در غیر گناه؛ زیرا باعث استقرار امور و نظم آن می شود، اما مخالفت با والیان و سرکشی از امرشان به آشوب و تباهی امور می انجامد، از این روز الله به طاعت خود و طاعت پیامبرش و والیان امور امر نموده است، و می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ [النساء:

[59]

{ای کسانی که ایمان آورده اید از الله متعال اطاعت کنید و از رسول الله و ولی امر (حکمرانان) خویش اطاعت کنید} [نساء: ۵۹]، و پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: «بر مسلمان سمع و طاعت در آنچه دوست دارد و دوست ندارد لازم است، مگر آنکه به گناه امر شود، پس چون به گناه امر شد نه شنیدن است و نه اطاعت» متفق علیه. و عبدالله بن عمرو. رضی الله عنهما. می گوید: در سفری همراه پیامبر. صلی الله علیه وسلم. بودیم، پس در منزلگاهی توقف کردیم، آنگاه منادی رسول الله. صلی الله علیه وسلم. ندا زد و گفت: «الصلوة جامعة» پس به نزد رسول الله. صلی الله علیه وسلم. جمع شدیم، پس فرمودند: «پیامبری نبوده که الله او را مبعوث ساخته مگر آنکه این حق [برای امتش] بر عهده او بوده، که امتش را به سوی بهترین آنچه می داند راهنمایی کند، و آنان را از شر آنچه می داند برحذر دارد، و این امت شما عافیتش در آغازش قرار داده شده و آخرش دچار بلا و اموری خواهد شد که شما انکارش خواهید کرد و فتنه ای خواهد آمد پس هر یک [از این فتنه ها] دیگری را کوچک جلوه خواهد داد، و فتنه خواهد آمد پس مؤمن می گوید: هلاکت من همین است، و [سپس] فتنه [ای دیگر] می آید و مؤمن می گوید: همین است، همین است، پس هر که دوست دارد از آتش دور نگه داشته شود و به بهشت در آید مرگش در حالی بیاید که به الله و آخرت ایمان دارد، و با مردم همانگونه باشد که دوست دارد با او باشند، و هرکس با امامی بیعت کرد و با او دست داد و ثمره دلش را به او داد، اگر توانست از او

اطاعت کند، و اگر دیگری آمد [که در امر حکومت] با او به منازعه برخاست، گردن آن دیگری را بزنید» به روایت مسلم، و مردی از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . پرسید که ای پیامبر الله، اگر امرایی بر ما حاکم شدند که حق خود را از من بخواهند و حق ما را به ما ندهند، [در این حالت] ما را چه امر می کنید؟ پس از او روی گرداند، آنگاه آن مرد دوباره از او پرسید، پس رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمود: «بشنوید و اطاعت کنید، زیرا آنچه به آنان سپرده شده بر عهده آنان است [و خود در صورت کوتاهی درباره اش مؤاخذه می شوند] و آنچه به شما سپرده شده بر عهده شماست».

و از جمله حقوق والیان بر مردم یاری رساندن به والیان توسط مردم در وظایفشان است، آنطور که یاری گر آنان در اجرای امور موکول شده به آنان باشد، و هر یک نقش خود و مسئولیت خود را در جامعه بداند، تا آنکه امور به نحو مطلوب به پیش رود؛ زیرا اگر رعیت به والیان یاری نرسانند، مسئولیت هایشان به نحو مطلوب انجام نمی پذیرد.

*

حق هشتم: حق همسایه

همسایه کسی است که خانه اش به خانه تو نزدیک است و حق بزرگی بر تو دارد، پس اگر این همسایه خویشاوند تو بود و مسلمان بود، سه حق دارد: حق همسایگی و حق خویشاوندی و حق اسلام، و اگر مسلمان بود اما خویشاوند نبود، دو حق دارد: حق همسایگی و حق اسلام، و همینطور اگر خویشاوند بود اما مسلمان نبود، دو حق دارد: حق همسایگی و حق خویشاوندی، و اگر خویشاوند نبود و مسلمان نبود، یک حق دارد: حق همسایگی. الله تعالی می فرماید:

﴿...وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ...﴾ [النساء: 36]

{و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویشاوند و همسایه غیرخویشاوند} [نساء: ۳۶]، و پیامبر، صلی الله علیه وسلم می فرماید: «همواره جبرئیل در مورد همسایه به من توصیه می کرد تا اینکه گمان کردم همسایه از همسایه ارث می برد» متفق علیه. از جمله حقوق همسایه بر همسایه آن است که در حد توانایی با مال و جایگاه و سود رساندن به او نیکوکاری کند، رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «بهترین همسایگان نزد الله، بهترین آنان برای همسایه خود است»، و فرمود: «هرکس به الله و آخرت ایمان دارد، باید که به همسایه اش نیکی کند»، و همچنین فرمود: «هنگام پختن آب گوشت، آبش را بیشتر کن و به همسایه ات نیز بده».

از نیکی در حق همسایه، دادن هدیه به آنان در مناسبت هاست، زیرا هدیه باعث جلب مودت و از بین رفتن دشمنی است.

و از حقوق همسایه بر همسایه این است که هیچگونه آزار زبانی و عملی به او نرساند، زیرا رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «به الله سوگند که ایمان نمی آورد، به الله سوگند که ایمان نمی آورد، به الله سوگند که ایمان نمی آورد» گفتند: چه کسی ای رسول الله؟ فرمود: «آنکه همسایه اش از آزار او در امان نیست»، و در روایتی دیگر: «به بهشت وارد نمی شود، کسی که همسایه اش از آزار او در امان نیست»، بوائق یعنی شر و آزارهای او، پس کسی که همسایه اش از شر او در امان نیست مؤمن نیست و وارد بهشت نمی شود. بسیاری از مردم امروزه به حق همسایه توجه نمی کنند و همسایگانیشان از شر آنان در امان نیستند، و همواره آنان را می بینی که با همسایگان خود در حال اختلاف و نزاعند و به حقوق آنان تجاوز می کنند، و با گفتار و کردار به آنان زیان می رسانند، حال آنکه همه اینها مخالف چیزی است که الله و پیامبرش به آن امر کرده اند و موجب از هم گسیختگی میان مسلمانان و دوری دلها و فرو ریختن حرمت‌های آنان به دست یکدیگر می شود.

*

حق نهم: حقوق مسلمانان به شکل عام

این حقوق، بسیار است، از جمله: آنچه در صحیح آمده که پیامبر .صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است: اگر او را ببینی به او سلام بگو، و اگر تو را دعوت کرد اجابت کن، و اگر از تو نصیحت خواست او را نصیحت کن، و اگر عطسه زد و الحمدلله گفت به او "یرحمک الله" بگو، و اگر بیمار شد به عیادتش برو، و اگر وفات کرد [جنازه] او را تشییع کن»، در این حدیث تعدادی از حقوقی که بین مسلمانان است، بیان شده: حق نخست: سلام. سلام سنتی است مؤکد که همانطور که قابل مشاهده است، از اسباب نزدیکی بین مسلمانان و محبت میان آنان است، چنانکه این سخن پیامبر .صلی الله علیه وسلم دال بر آن است: «به الله سوگند به بهشت داخل نمی شوید تا آن که ایمان آورید و ایمان نخواهید آورد تا آن که یکدیگر را دوست داشته باشید. آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر انجامش دهید همدیگر را دوست می دارید؟ سلام را میان خود علنی کنید».

و رسول الله .صلی الله علیه وسلم . با هر که دیدار می کرد زودتر به او سلام می گفت، و هنگامی که از کنار کودکان می گذشت به آنان سلام می گفت.

و سنت آن است که کوچکتر بر بزرگتر، و جمع کم بر جمع بسیار، و سواره بر پیاده سلام گوید، اما اگر آنکه باید زودتر سلام گوید به سنت عمل نکرد، دیگری آن را انجام دهد [و سلام کند] تا آنکه سلام ضایع نگردد، بنابراین اگر کوچکتر بر بزرگتر سلام نکرد، بزرگتر سلام کند، و اگر جمع کم بر جمع بسیار سلام نکرد، جمع بزرگتر سلام کند؛ تا اجرش را به دست آورد.

عمار بن یاسر. رضی الله عنهما. می فرماید: «سه چیز است که هر که آن را یکجا سازد، ایمان را کامل ساخته است: انصاف ورزیدن درباره خود [آنجا که به زیان تو است و دیدن عیب خود]، و بذل سلام برای جهانیان، و انفاق در هنگام تنگدستی». و اگر بذل سلام سنت باشد، پاسخ به آن فرض کفایی است و اگر کسی یا کسانی آن را انجام دهند، از دیگران ساقط می شود، یعنی اگر بر گروهی سلام گوید و یکی از آنان پاسخ دهد، [آن پاسخ] برای دیگران هم کافی است، الله تعالی می فرماید:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ [النساء: 86]

{ای مؤمنان،} هر گاه با درودی صمیمانه به شما سلام گویند، شما پاسخی بهتر. و یا همانند آن. بگویید {نساء: ۸۶}، بنابراین برای پاسخ به سلام این کافی نیست که تنها بگوید: «خوش آمدی»، زیرا این بهتر از سلام و حتی مانند آن نیست، پس چون گفت: «السلام علیکم» باید بگوید: «وعلیکم السلام»، و اگر گفت: «خوش آمدی» او نیز «خوش باشی» [یا هر کلمه مناسبی] بگوید، همانند او بگوید، و اگر بر آن بیفزاید بهتر است.

حق دوم: «اگر تو را دعوت کرد، اجابت کنی». یعنی اگر تو را به خانه اش برای صرف غذا یا چیزی دیگر دعوت کرد، دعوتش را بپذیر، و اجابت دعوت سنت مؤکده است؛ زیرا باعث التیام دل دعوت کننده و جلب مودت و الفت می شود.

اما ولیمه عروسی استثناست، زیرا پذیرفتن دعوت عروسی بنابر شروط معروف آن واجب است؛ زیرا پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: «کسی که نپذیرد، مرتکب معصیت الله و پیامبرش شده است». شاید این سخن

ایشان که می فرماید: «اگر تو را دعوت کرد بپذیر» حتی دعوت به کمک و همکاری را نیز در بر گیرد، زیرا تو امر شده ای که آن را اجابت کنی، پس اگر تو را دعوت کرد که در برداشتن چیزی یا دور انداختن چیزی یا مانند آن کمکش کنی، تو امر شده ای که به او کمک کنی؛ زیرا پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: «مؤمن برای مؤمن مانند یک ساختمان است که هر قسمت آن، قسمت دیگر را محکم می سازد». حق سوم: «اگر از تو نصیحت خواست، او را نصیحت کن». یعنی اگر نزد تو آمد و از تو درباره امری، توصیه ای خواست، او را توصیه و نصیحت کن؛ زیرا این از دین است، چنانکه پیامبر. صلی الله علیه وسلم. می فرماید: «دین نصیحت است: برای الله، و برای کتابش، و برای پیامبرش، و برای امامان (حاکمان) مسلمان و برای عموم آنان». اما اگر برای طلب نصیحت به نزد تو نیامده باشد، اگر آن کاری که می خواهد بکند شامل زیان یا گناه است، واجب است که نصیحتش کنی، حتی اگر [به این قصد] نزد تو نیامده باشد؛ زیرا این از جمله برداشتن زیان و منکر از [راه] مسلمانان است، و اگر کاری که می کند زیان یا گناهی در بر ندارد، اما فکر می کنی کار دیگری بیشتر به سود اوست، واجب نیست که به او چیزی بگویی مگر آنکه از تو توصیه و نصیحت بخواهد، که در این صورت لازم است نصیحتش کنی.

حق چهارم: «اگر عطسه کرد و الحمدلله گفت، او را تشمیت کن» یعنی به او بگو: «یرحمك الله»؛ که این تشکری است برای او چون هنگام عطسه پروردگارش را حمد گفته است؛ اما اگر عطسه کرد و الحمدلله نگفت، حتی ندارد و تشمیت نمی شود؛ زیرا چون حمد الله را بجا نیاورده، جزایش آن است که تشمیت نشود.

و تشمیت کسی که عطسه کرده اگر حمد گفت فرض است، و باید او نیز پاسخ [تشمیت] را بدهد و بگوید: «یهدیکم الله ویصلح بالکم».

و اگر به عطسه زدن ادامه داد و سه بار تشمیت شد، در بار چهارم به جای «یرحمک الله» به او بگو: «عافک الله».

حق پنجم: «اگر بیمار شد به عیادتش برو»، و عیادت بیمار یعنی زیارت او که این حق است بر برادران مسلمان او، و واجب است که انجامش دهند، و هرچه آن بیمار حق بیشتری از خویشاوندی یا دوستی یا همسایگی بر تو داشت، عیادتش نیز بیشتر مورد تاکید است.

عیادت بر حسب حال بیمار و نوع آن بیماری است. برای همین ممکن است در حالتی نیاز به رفتن بسیار نزد بیمار باشد، و شاید وضع به گونه ای باشد که باید کم به نزد بیمار رفت. بنابراین، آنچه اولویت دارد رعایت اوضاع است.

سنت برای کسی که به عیادت بیمار می رود این است که از او درباره حالش بپرسد و برایش دعا کند و دروازه فرج و امید را به سویش بگشاید؛ زیرا این از بزرگترین اسباب سلامتی و شفاست، و شایسته است با روشی که باعث ترس او نشود، توبه را به یادش بیاورد؛ مثلاً بگوید: تو به سبب این بیماری خیر بسیاری به دست می آوری زیرا خداوند به واسطه بیماری، گناهان را پاک می کند و چه بسا به سبب این ماندن در بستر با ذکر و استغفار و دعا اجر بسیاری به دست بیاوری. حق ششم: «چون وفات کرد [جنازه] او را دنبال کن»، تشییع جنازه از حقوق مسلمان بر برادرش است و اجر بزرگی دارد، زیرا از پیامبر. صلی الله علیه وسلم ثابت است که فرمودند: «هر که در پی جنازه ای برود تا آنکه بر آن نماز گزارده شود، یک قیراط دارد، و هر که در پی آن برود تا دفن شود، دو قیراط دارد»، گفته شد: دو قیراط چیست؟

فرمود: «مانند دو کوه بزرگ». و از حقوق مسلمان بر مسلمان، دست نگه داشتن از آزار اوست، زیرا اذیت مسلمان گناه بزرگی دارد، الله تعالی می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَنًا

وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: 58]

{و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون این که مرتکب [عمل زشتی] شده باشند [با اتهامات ناروا] می آزارند، بارِ دروغ و گناهی آشکار را به دوش می کشند} [احزاب: ۵۸]. غالب نیز اینگونه است که هرکس با آزار رساندن بر برادرش مسلط شود، الله در همین دنیا پیش از آخرت از او انتقام می گیرد، و رسول الله . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: «با یکدیگر کینه نورزید، و به همدیگر پشت نکنید، و بندگان الله و برادر هم باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی کند، و دست از یاری او نمی کشد، و او را تحقیر نمی کند، همین شر برای شخص کافی است که برادر مسلمانش را خوار بشمارد، همه مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خونش و مالش و آبرویش». حقوق مسلمان بر مسلمان بسیار است، اما می توان این سخن پیامبر . صلی الله علیه وسلم . را جامع همه این معانی دانست که می فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است»، پی هرگاه بر اساس معنا و مقتضای این برادری عمل کند قطعا در پی هر خیری برای او خواهد بود، و از هر آنچه به او زیان می رساند دوری خواهد کرد.

*

حق دهم: حق غیر مسلمانان

غیر مسلمانان همه کافران را شامل می شود که چهار دسته اند: کافران حربی (جنگی)، و کافرانی که امان داده شده اند، و کافران دارای پیمان، و اهل ذمه.

اما کافران حربی بر ما حقی ندارند؛ نه حق حمایت و نه حق رعایت و رسیدگی.

اما کافرانی که امان داده شده اند در زمان و مکانی که در امان نامه شان تعیین شده بر ما حق حمایت دارند (یعنی باید بر اساس آن زمان و مکان تعیین شده از آنان حمایت کرد)؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُمْ
أَمْنَهُ...﴾ [التوبة: 6]

{و [ای پیامبر]، اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش بده تا سخن الله را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان. این [امان دادن به مشرکان]، به سبب آن است که آنان گروهی نادانند} [توبه: ۶]. اما اهل پیمان، تا همان زمانی که بین ما و آنان بر آن توافق شده باید به آن پیمان وفا کرد، [البته] تا وقتی که بر آن عهد پایبند باشند و چیزی از آن را زیر پا نگذارند، و کسی را علیه ما یاری ندهند، و در دین ما طعن وارد نسازند؛ زیرا الله تعالی می فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ
أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: 4]

{مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بسته اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده اند و کسی را علیه شما پشتیبانی نکردند؛ پیمان آنان را تا پایان مدتشان به پایان برسانید [که] بی تردید، الله پرهیزگاران را دوست دارد} [توبه: ۴]، و این سخن حق تعالی:

﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ [التوبة: 12]

{و اگر [تعهد و] سوگندشان را پس از پیمان خویش شکستند و در دینتان طعنه زدند، با پیشوایان کفر بجنگید؛ زیرا آنان عهد [و پیمانی با شما] ندارند؛ باشد که [از رفتار خود] دست بردارند} [توبه: ۱۲].

اما ذمی ها گروهی هستند که در میان این گروه ها از بیشترین حقوق متقابل برخوردارند؛ زیرا آنان در سرزمین مسلمانان و در مقابل جزیه ای که می پردازند تحت حمایت و رعایت آنان زندگی می کنند.

بنابراین برای ولی امر مسلمانان لازم است که در میان آنان با حکم اسلام در جان و مال و آبرویشان حکم کند، و درباره آنچه معتقد به تحریمش هستند حدود را بر آنان اجرا کند، و واجب است که از آنان حمایت کند و از رسیدن آزار به آنان جلوگیری نماید.

و واجب است که در لباس با مسلمانان متفاوت باشند و چیزی را که در اسلام منکر است آشکار نسازند، و یا چیزی از شعائر دین خود مانند ناقوس و صلیب را علنی نکنند، و احکام اهل ذمه در کتب علما موجود است بنابراین درباره آن به شکل مفصل سخن نمی گوئیم.

و الحمد لله رب العالمين، و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر همه
آل و اصحاب وی باد.

به قلم بنده نیازمند الله تعالی

محمد بن صالح العثیمین

*

فهرست

1	حقوقی که فطرت به آن فرا خوانده و شریعت آن را تایید کرده است
3	مقدمه
5	حق اول: حق الله تعالی
10	حق دوم: حق رسول الله صلی الله علیه وسلم
13	حق سوم: حق والدین
16	حق چهارم: حق فرزندان
20	حق پنجم: حقوق خویشاوندان
23	حق ششم: حق زوجین
28	حق هفتم: حق حاکم و رعیت
31	حق هشتم: حق همسایه
33	حق نهم: حقوق مسلمانان به شکل عام
38	حق دهم: حق غیر مسلمانان